

## روزی که مومنین از معشوق جایزه می‌گیرند

صبحی ست که اهل دل، جائزه خود را از خدای سبحان دریافت می‌کنند. شب و روز عیدی که به عنوان « لَيْلَةُ الْجَوَائِزِ » یا « يَوْمُ الْجَوَائِزِ » نام دارد که گفته شده: «روز عید است».

به گزارش سایت خبری پرسون، در روز عید گویی یک مسلمان از نو متولد می‌شود، به گفته مولا امیرالمومنین (که درود خدا بر او باد) روزه روزه روزه در شب عید فطر از تمام آلودگی‌ها و پلیدی‌ها پاک شده و کمترین پاداش خود را که پاک‌ی و پاکیزگی است دریافت نموده‌اند.

آن حضرت چنین می‌فرماید: «ای بندگان خدا! بدانید که کوچکترین چیزی که برای مردان و زنان روزه‌دار است، این است که فرشته روزه‌ای در روز آخر ما مبارک رمضان به آنها ندا می‌دهد: ای بندگان خدا! بشارتتان باد که [خداوند متعال] تمام گناهان گذشته شما را آمرزید، پس بنگرید که بعد از این چگونه عمل خواهید کرد.»

هدیه ای که در عید می‌گیریم باید آنقدر زیاد باشد که تا ۱۱ ماه دیگر کفایت کند

تحلیلی بر مقام و منزلت عید سعید فطر

خدای سبحان این روز را عید رسمی مؤمنین قرار داد. از دعای نورانی امام سجاد در وداع ماه مبارک رمضان بر می‌آید، چنین که در دعاهای قنوت نماز عید فطر هم بر می‌آید که خداوند این روز را عید قرار داد؛ که جَعَلْتَهُ لِمُسْلِمِينَ عِيداً ... شما وقتی از منزل هایتان بیرون می‌روید به طرف مصلی، آن حالت زنده شدن از قبر را در نظر بگیرید که یک ترسیمی از معاد است. منتها خدای سبحان اگر بخواهد به صورت معید تجلی تام داشته باشد، جریان معاد پیش می‌آید و اگر گوشه ای از آن نام تجلی بکند، «عید فطر» ظهور می‌کند. این عود و رجوع بنده است به طرف خدای سبحان.

کسانی که روزه این ماه را گرفتند و توفیق انجام وظیفه داشتند، بر می‌گردند، جائزه خود را از خدای سبحان دریافت می‌کنند. لذا شب عید فطر و روز عید فطر به عنوان « لَيْلَةُ الْجَوَائِزِ » یا « يَوْمُ الْجَوَائِزِ » هست که اگر گفته شده است: روز عید است و من مانده در این تدبیرم که دهم حاصل سی روزه و ساغر گیرم

و کسانی که به وظائف این ماه پر فیض موقف شدند و عمل کردند، آنها که خُوفاً مِنَ النَّارِ روزه گرفتند، یا شب های این ماه را زنده نگه داشتند، جائزه ای که از فرشتگان الهی دریافت می‌کنند، نجات از نار است. آنهایی که برای رسیدن به بهشت وظائف ماه مبارک رمضان را انجام دادند، جائزه ای که از فرشتگان رحمت دریافت می‌کنند، وصول به بهشت است و این شاء الله این جائزه را حفظ می‌کنند!

و آنهایی که شَوْقاً إِلَى اللَّهِ، حُبّاً لِلَّهِ، شُكْرًا لِلَّهِ عبادت کردند، عودشان به طرف خود خدای سبحان است و جائزه را از دست بی دستی خدای سبحان دریافت می‌کنند و آن هم محبوبیت است و کرامت، که مقام شامخ محبت را به آنها عطاء می‌کند؛ وقتی محبوب الهی شدند، هم از گزند دوزخ مصون اند، هم از فیض و فوز بهشت طرفی می‌بندند. بنابراین سه گروه به خدا بر می‌گردند؛ هر گروه جائزه خاص خودشان را هم دریافت می‌کنند.

هم در دعاهای ما آمده، هم در روایات که: ماه مبارک رمضان قَرَّةُ الشُّهُورِ و رَأْسُ السَّنَةِ است. آغاز سال برای سالکان صالح ماه مبارک رمضان است. کسی که اهل سیر و سلوک است، ذخیره یک ساله را از ماه مبارک رمضان فراهم می‌کند. هم مشکل ماه مبارک رمضان را تأمین می‌کند، هم مشکل یازده ماه دیگر را!

بنابراین باید جائزه ای که در شب و روز عید فطر می‌گیریم، آنقدر قوی و زیاد باشد که بتواند مشکل یازده ماه دیگر ما را هم حل کند؛ که این شاء الله امیدواریم اینچنین باشد.

ایام بقا ندارد و فلک روزهای رمضان را با خود می‌برد، اما نمی‌تواند معرفتی را که در این ماه کسب کردی با خود ببرد

بیا که ترک فلک خوان روزه غارت کرد هلال عید به دور قدح اشارت کرد  
ثواب روزه و حج قبول آن کس برد که خاک میکده عشق را زیارت کرد

حافظ تمام رندی های عالم را در این غزل به کار برده و در مصرع اول و دوم دو مطلب را در مقابل هم قرار داده است. خود ماه رمضان یک خوان است در این خوان مردم روزه می‌گیرند، حالا ترک فلک غارتش کرد ثواب روزه و حج قبول آن کس برد / که خاک میکده عشق را زیارت کرد. فلک می‌گردد و

دوار است و می چرخد و با رفتن و گردش فلک ماه عوض می شود اگر فلک گردش نمی کرد و دوار نبود که ماه رمضان نمی رفت که ماه شوال بیاید و این خوان عبادت را ترک فلک غارت می کند و در عین اینکه عظمت دارد فلک غارتش می کند و حافظ با قرینه مصرع دوم می خواهد بگوید که ماه رمضان یک ظاهری دارد و یک باطنی و ظاهرش همین ۳۰ روز است که هر سال می آید اما فلک غارتش می کند اما یک باطنی دارد که ترک فلک قادر به غارت کردن معنویت آن نیست حالا آن معنویت ماه کجاست؟

بینید چه رندی می کند حافظ در مصرع بعد: هلال عید به دور قدح اشارت کرد. قدح جام محبت و معرفت را نشان می دهد و آن محبت و معرفتی که نتیجه این ماه رمضان بوده، نتیجه روزه، نتیجه سحرخیزی، نتیجه عبادات و اطاعات که معرفت تحصیل کرده، آن معرفت می بود که ما را مست معرفت کرده شما وقتی مست معرفتی به چیزی اعتنا نداری، چرا معرفت به می تشبیه می شود، چون می مستی آور است و مست به خودش می رسد و همه چیز را فراموش می کند دیگری بی اعتنا می شود به چیزهای دیگر خود واقعی ظاهر می شود و دیگر به چیزهای اطراف و تعلقات اعتنا نمی کند. وقتی شما معرفت پیدا کردی دیگر به تعلقات دنیایی اعتنا نداری! آن خود واقعی است ظاهر می شود یک حالت مستی معنوی است این مستی معنوی را که در ماه رمضان به دست آمده و در یک قدح باید ریخته شود دور هلال ماه فطر به آن قدح اشاره می کند.

می گوید ترک فلک روزها را برد، ماه رمضان را برد، ایام ظاهری، خوب ایام که بقا ندارد و ایام باید بگذرد ظاهر ماه رمضان رفت تا یک سال دیگر اما اثر ماه رمضان که معرفت باشد، ماه اشاره می کند که آن پر از می معرفت است و تو داری! هلال ماه دارد به تو نشان می دهد که تو پر از معرفت شدی جام معرفت خوردی، می معرفت را در دست داری و ترک فلک آن را هرگز نمی تواند غارت کند و قادر به غارت معرفتی که از ماه رمضان به دست آوردی نیست، خود ماه رمضان را برد اما معرفتی که از آن به دست آمد قادر به غارت آن نیست. حافظ کاملا به ظاهر و باطن اشاره می کند ماه رمضان یک ظاهری داشت مانند هر ظاهر دیگری رفت اما باطنش را ترک فلک نمی تواند غارت کند و دست غارت بهش نمی رسد و همیشه برای شما پابرجاست.

صواب روزه و حج قبول آن کس برد که خاک میکده عشق را زیارت کرد.

این بیت دوم صراحتا تفسیر بیت اول است و می گوید آن کسی به سعادت رسید که به معنویت ماه رمضان دست پیدا کرد. ممکن است ۳۰ روز در تابستان روزه گرفته ولی چه بسا آخر ماه رمضان غروری هم پیدا کند که ما روزه گرفتیم و اگر دچار غرور عبادت خودش شد و هیچ چیز هم از معنویت ماه رمضان نفهمید و فقط گرسنه بود و تشنگی را تحمل کرد راهی هم به معنویت این ماه نداشت چه دستاوردی داشته؟ هیچ، بله این گرسنگی و تشنگی و تحمل سختی روزه برای این است که شما زنگارهای قلبت پاک شود و آماده بشوی از معنویات این ماه استفاده کنی، با قرآن انس بگیری با دعا انس بگیری و به خداوند نزدیک بشوی و معرفت حاصل کنی، وقتی که معرفت حاصل شد این معنی تفسیری است که بنده گفتم. حج قبول هم در این ماه است و حتی اگر هم به مکه نرفته باشی به حج رفتی. و خاک میکده عشق یعنی چه؟ وقتی که می ها، معرفت می شود اگر شما معرفت و محبت به دست آوردی و آن خاک را زیارت کردی آن وقت هم به ثواب ماه رمضان رسیدی و هم زیارت حج هم نصیبت شده است.

یعنی می گوید اگر شما به معنویت ماه رمضان راه یافتی همه چیز داری اما اگر به ظاهر دل خوش کردی و غروری هم نصیبت شد و معرفتی هم نصیبت نشد که ترک فلک غارت کرده و برده؟

وقوف دل که به کوی تو مستدام افتاد طواف کعبه چه حاجت که تو حجاز منی

بهترین عیدی ما می تواند معرفت، محبت، پاکی و طهارت باشد که همه اینها وحدت پیدا می کند و یک چیزی می شود. اگر ما روزه گرفتیم و دریچه ای از غیب حاصل نشد اون گرسنگی ها و تشنگی ها را چه حاصل و هزار معصیت دیگر داریم بدخلقی، غیبت، بدسگالی.

این کلمه فطر را هم من به ذوق خودم معنی می کنم یعنی شما به فطرت خودت بازگشتی یعنی با این روزه که هم ظاهری بود و هم باطنی و امساک فکر داشتی و چشم و گوش و دل و همه ی وجودت که امساک داشت یک ماه امساک کردن یعنی ترک تعلق از نفسانیات، شهوات، تمایلات، و غیر حق و تمایلات غیر الهی این انسان را پاک می کند و بازگشت انسان به اصلش هست این یک نوع بازگشت و عید و یک نوع تازه شدن است، خود وجود مومن عید است و روز عید فطر عید است یا وجود مومن؟ وجود مومن عید است، برای کافر روز فطر چه فرقی دارد با روزهای دیگر برای کسی که معتقد نیست به معارف اسلامی و مقامات معنوی روز عید فطر با روزهای دیگر فرقی نمی کند.

پس عید مال جان مومن است و عید یعنی جان مومن که به درستی یک ماه روزه گرفته و امساک کرده خودش را از غیر حق پاک کرده این عید است و اگر یک نفر هم بود عید بود، یعنی عید مضاعف است چقدر مومن در این روز است و چقدر این روز مضاعف است و چقدر این روز تازه است یعنی همه نفوس مومنان تازه تازه است مثل آن روزی که متولد شده اند پاک پاک پاکند انشالله با یک انشالله بزرگ و بهار رمضان طراوت و تازگی جان ماست بله جان شکفته می شود انواع گل و لاله های معنوی قرآن هم ربیع القلوب است یعنی تمام شکوفه ها باز شده روح مومنی که امساک واقعی کرده پر از ریحان و عطر و گل و لاله است این تازگی است و این بهار ماست.

شاید عید فطر بهترین عید است و برای اینکه پاکند مومنین و روز عید به تبّع مومنان پاک است.

تلاش کنیم نورانیت ماه رمضان در ما باقی بماند / همان طور که در رمضان جلوی غیبت کردن را می گرفتید، شوال هم که شد همین کار را بکنید

اگر کسی بتواند نورانیت یک ماه رمضان را به آن یکی ماه رمضان وصل کند، اگر همه را وصل کرد فهما، اگر نکرد لااقل بعضی ولو جزئی از آن نورانیت را وصل کند، این آدم عاقبت به خیر می شود، یقین بدانید.

و الا آدم بیاید در ماه رمضان بعد ماه تمام شود همان آش و همان کاسه، این دیگر "لعلکم تتقون" نمی شود، مولوی می گوید که یک نفری دید که شتر دارد می آید تو کوچه، گفت از کجا می آیی؟ آن یکی پرسید از اشتر که هی، از کجا می آیی ای اقبال پی، آقای شتر از کجا می آیی؟ گفت از حمام گرم کوی تو، گفت خود پیداست از زانوی تو، گفت رفته بودم در همان حمام محله شما، گفت معلومه خوب کیسه کشیدی، از زانوهات پیداست، بله بزرگان

این مثل را زده اند، که آقا، مردم که عملکرد من را بعد از ماه رمضان می بینند، ببینند عین آن شتری که از حمام آمده است، پس چی شد؟ غیبتت که هست سر جاش! بد اخلاقیت در خانه که هست! دل شکستنت که هست! بی هوا پشت سر مردم حرف زدنت، اینها همه هست پس این "لعلکم تتقون" کجا رفت؟! پس چی شد؟!

یک روایت هم عرض بکنم، یکی از صحابه رسول خدا در کوچه داشت می رفت، رسید به یک صحابی دیگر با هم سلام علیک کردند. صحابه دومی به صحابه اولی گفت: حالت چطور است؟ گفت: چه حالی؟! هلاک شدم! پرسید: چطور یعنی هلاک شدم؟ گفت: در محضر پیغمبر اکرم(ص) که هستیم، آنچنان هستیم مثل اینکه ملکوت را می بینیم! از محضر آقا که می آییم بیرون، کم کم این حالت زائل می شود، برمی گردیم به حالت ظلمانی خودمان. آن صحابی گفت: جانا سخن از زبان ما می گویی، من هم همین حالت را دارم. گفت: چه کار کنیم؟ چه علاجی کنیم؟ گفت: چه علاجی بهتر از اینکه الان که به رسول اکرم(ص) دسترسی داریم، برویم به خدمتش، دردمان را بگوییم، طبیب نفوس تمام عالمیان است پیغمبر.

رفتند خدمت رسول خدا، عرض کردند: یا رسول خدا ما حالمان در محضر شما خیلی خوب است، مثل اینکه اصلا پرده ها می رود کنار، از محضر شما که بیرون می آییم حال عوض می شود، کمرنگ می شود تا اینکه بالاخره به صفر می رسد. حضرت فرمودند: آن حالی که نزد من پیدا می کنید، اگر آن را نگه بدارید، «لصافحتکم الملائکه» ملائکه با شما مصافحه می کنند!

می دانید از اینجا چه استفاده می شود؟ که آن نوری که موهبت می شود به آدم، آن حالی که موهبت می شود به آدم، آدم آن را به گونه ای حفظ کند، حالا اگر همه آن را هم حفظ نکرد قسمی از آن را حفظ کند، خواهید فرمود که آقا شاید مشکل باشد، نه از زبان امیرالمومنین علیه السلام مژده می دهم، حضرت می فرماید: هر کس چیزی را بخواهد یا به همه آن می رسد یا به قسمی از آن می رسد. بالاخره اگر اراده کنیم خدا هم کمک می کند، من می گویم خدایا من یک تصمیم می گیرم اگر بتوانم، نمی گویم عهد می کنم چرا که این عهد می کنم سنگین است، نه من مرد این میدان نیستم، اما تصمیم بگیریم که انشاءالله این حال و هوای ماه مبارک را اگر بتوانیم یک قدریش را نگه بداریم.

در یک جایی بودم یک کسی می خواست غیبت کند، عصرماه رمضان بود، گفت راستی می خواستم یک چیزی بگویم دیدم غیبت می شود، گفتم این حالت را همیشه نگه دار، ماه شوال هم که بود این حرف را بزن، اگه دیدی غیبت است برگردان. انشاء الله امیدواریم خدا به همه ما نورانیت بدهد تا از اسرار معارف ماه مبارک رمضان بهره مند شویم.

منبع: خبرآنلاین